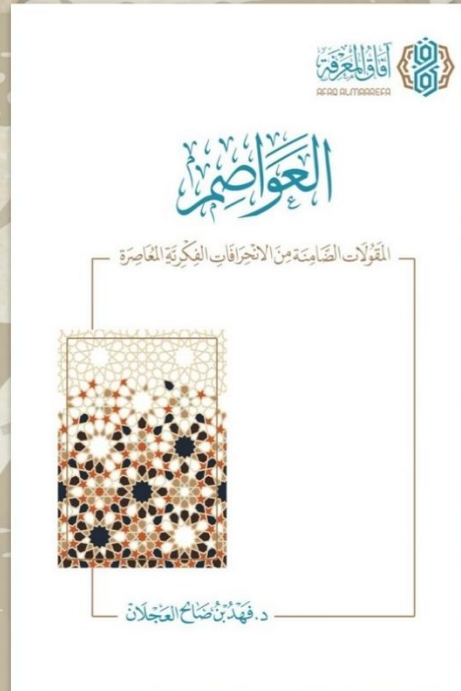


سخنان محافظ (۳۴)

دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است

دکتر فهد العجلان | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۳۴) دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است

هدف از آفرینش، عبادت الله است؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ** {ذاریات: ۵۶} (و من جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند). بنابراین دنیا گذرگاهی برای آخرت است و نام «دنیا» (نزدیک‌تر، پایین‌تر) نیز از همین رو است؛ چرا که مرتبه آن از زندگی ابدی و جاودان آخرت پایین‌تر است.

در قرآن درباره وضعیت دنیا و یادآوری سرنوشت انسان در آخرت بسیار سخن گفته شده است؛ اینکه زندگی واقعی که انسان باید برای رسیدن به آن بکوشد همان آخرت است و این از معانی و مفاهیم بزرگ و مهم قرآنی است.

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

از همین رو در قرآن بارها بر ناچیز بودن ارزش دنیا و اینکه صرفاً سرگرمی و کالایی اندک است، تأکید شده: **﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ﴾** [انعام: ۳۲] (و زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست). و پروردگار متعال می‌فرماید: **﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ﴾** [آل عمران: ۱۸۵] (و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست). و همچنین می‌فرماید: **﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾** [رعد: ۲۶] (و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست).

الله متعال وضعیت دنیا را چنین تشبیه کرده و می‌فرماید: **﴿وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأُخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ﴾** [کهف: ۴۵] (و برای آنان مثل زندگی دنیا را بیان کن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم، پس گیاه زمین با آن درآمیخت (و سرسبز شد)، آنگاه [چنان] خشک و خرد گردید که بادهای آن را پراکنده می‌کنند).

و درباره‌ی فریب خوردن به دنیا هشدار داده و می‌فرماید: **﴿وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا﴾** [انعام: ۷۰] (و کسانی را که دین خود را

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت، واگذار. و می‌فرماید:
{الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا} [اعراف: ۵۱] (همان

کسانی که دین خود را سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت).

این بهره‌ای ناچیز است و انسان خردمند به سرانجامی می‌نگرد که در آخرت

انتظارش را می‌کشد: **{فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا**

النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ} [یونس: ۲۳] (اما وقتی [الله] آنان را نجات می‌دهد، به ناحق

در زمین سرکشی [و ستم] می‌کنند. ای مردم، سرکشی [و ستم] شما تنها به

زیان خودتان است؛ [چرا که فقط] بهره‌ی [ناچیزی از] زندگی دنیا [می‌برید و]

سپس بازگشتتان به سوی ما خواهد بود؛ آنگاه شما را از آنچه [در دنیا] انجام

می‌دادید، باخبر می‌سازیم).

پروردگار متعال می‌فرماید: **{فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ**

اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ} [شوری: ۳۶] (پس آنچه به

شما داده شده، بهره‌ی زندگی دنیا است و آنچه نزد الله است برای کسانی که

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر و پایدارتر است). همچنین خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَإِنْ كُلُّ ذَلِكْ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ﴾** [زخرف: ۳۵] (و تمام این‌ها چیزی جز بهره زندگی دنیا نیست و آخرت نزد پروردگارت برای متقیان است).

ساحران فرعون پس از آنکه ایمان آوردند، این حقیقت را دریافتند و با عزت یک مسلمان گفتند: **﴿فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾** [طه: ۷۲] (پس هر حکمی می‌خواهی بکن، که تو تنها در این زندگی دنیا حکم می‌رانی). مؤمن آل فرعون نیز در حالی که خیرخواهانه قوم خویش را پند می‌داد، چنین گفت: **﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾** [غافر: ۳۹] (ای قوم من، این زندگی دنیا تنها بهره‌ای [ناچیز] است و بی‌گمان آخرت همان سرای پایدار است).

پس عزت و برتری واقعی تنها در آخرت یافت می‌شود: **﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْحَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾** [بقره: ۲۱۲] (زندگی دنیا برای کافران آراسته شده است و [آنان] مؤمنان را مسخره

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

می‌کنند؛ و [حال آنکه] پرهیزگاران در روز قیامت بالاتر از آنان هستند). حق تعالی می‌فرماید: **{تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ}** [قصص: ۸۳] (آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواهان برتری و فساد نیستند و سرانجام نیک برای متقیان است). و باز خداوند متعال می‌فرماید: **{وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ}** [زخرف: ۳۵] (و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزگاران است).

الله متعال کسانی را سرزنش کرده است که زندگی دنیا را به قیمت آخرت خریده، به آن دلخوش کرده و آن را بر آخرت ترجیح داده‌اند: **{أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ}** [بقره: ۸۶] (آنان کسانی هستند که زندگی دنیا را به جای آخرت خریدند، پس نه عذابشان سبک می‌شود و نه یاری می‌شوند). همچنین پروردگار متعال می‌فرماید: **{الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ}** [ابراهیم: ۳] (کسانی که زندگی دنیا را بر

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

آخرت ترجیح می‌دهند و [مردم را] از راه الله بازمی‌دارند و آن راه را منحرف [و سازگار با هوای نفسشان] می‌خواهند، اینان در گمراهی دور و درازی هستند.

از این رو هر کس با کارهایش تنها خواهان دنیا باشد، پاداشش را در همین جا می‌گیرد اما در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت: **{مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا**

وَزِينَتَهَا نُوفٍ إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ} [هود: ۱۵-۱۶]

(کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را می‌خواهند، [پاداش] کارهایشان را در این [دنیا] به تمامی به آنان می‌دهیم و در آن [پاداش، هیچ] کم و کاستی نخواهند دید. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش [دوزخ، هیچ نصیبی] نخواهند داشت و آنچه در دنیا انجام داده‌اند، بر باد رفته است و آنچه می‌کردند، تباه است).

حق تعالی امر نموده که از چنین کسی روی بگردانیم: **{فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى**
عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا} [نجم: ۲۹] (پس [ای پیامبر]، تو نیز از کسی

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

که از یاد ما روی گردانده و فقط [لذت‌های] زندگی دنیا را می‌خواهد، روی برتاب).

پروردگار متعال همچنین کسانی را نکوهش کرده است که به ظواهر زندگی دنیا آگاهند، اما از پروردگار خود غافل مانده‌اند: **{يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ}** [روم: ۷] (آنان تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافل هستند).

این‌ها مفاهیم قرآنی فراوانی هستند که این اصل بزرگ قرآنی را تقویت می‌کنند؛ اصلی که بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست و کسی در آن تردید نمی‌کند. هر مسلمانی می‌داند که رستاخیز، پاداش، جزا، و بهشت و دوزخی در پیش است و دنیا جایگاه نهایی جزا نیست. اما این پذیرش نظری، الزامات و پیامدهای ایمانی بسیار بزرگی به همراه دارد. بنابراین، همواره باید به یاد داشت که دنیا تنها گذرگاهی به سوی آخرت است و همه تلاش‌ها در این دنیا باید در جهت رسیدن به آن هدف بزرگ در سرای ماندگار باشد. این نگرش در

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

استواری ایمان به اصول محکم دین و حفاظت از مسلمان در برابر انحرافات فکری معاصر، تأثیر بسیار زیادی دارد؛ این موضوع در معانی زیر آشکار می‌شود:

معنای نخست: تأکید بر اهمیت حفظ دین:

کسی که همواره این مفهوم قرآنی را در نظر داشته باشد، به خوبی درک می‌کند که ارزشمندترین چیزی که باید در زندگی از آن مراقبت کرد، دین است. او می‌فهمد که والاترین هدف در تلاش‌های انسان، پرستش پروردگار، اجرای اوامر، دوری از نواهی و نزدیک شدن به خداوند با انجام کارهای محبوب اوست؛ و اینکه قلبش سرشار از محبت، خوف، توکل و انابت به سوی حق تعالی شود.

کمرنگ شدن این مفهوم در قلب مسلمان، ناشی از غفلت نسبت به این حقیقت است که همه دنیا در واقع برای آخرت است. برخی از مصادیق امروزی این غفلت:

۱- هنگامی که برخی مدعیان اسلام به نظام سیاسی مبتنی بر سکولاریسم تن می‌دهند؛ همان نظامی که نقش دین را در فضای عمومی کنار می‌زند و

آن را تنها به رابطه شخصی میان بنده و پروردگار محدود می‌کند. در این دیدگاه، دین موضوعی حاشیه‌ای است که صرفاً به خود فرد مربوط می‌شود. این نگاه، پیامد بزرگداشت دنیا، فراموشی آخرت و غفلت از بزرگترین وظیفه است؛ آنطور که دین به حاشیه زندگی رانده شده، در حالی که اصل و هدف زندگی است.

۲- بسیاری از مردم را می‌بینیم که در مسائل مربوط به نفی دین یا انکار احکام آن، مدام می‌گویند: «او که به کسی ضرر نمی‌زند»، «بین خودش و خدایش است» یا «به تو ربطی ندارد». علت این حرف‌ها فراموش کردن هدف زندگی است؛ در این حالت، مسائل دینی هر چقدر هم بزرگ باشند، ساده و بی‌اهمیت جلوه می‌کنند، اما مسائل دنیوی هر چقدر هم ریز باشند، بزرگ و حیاتی به نظر می‌رسند.

۳- برخی درباره احکام شرعی که حکمت آن‌ها عبادی یا اخروی است، مجادله می‌کنند؛ چون منطق پشت آن را درک نمی‌کنند. مثلاً تعجب می‌کنند که چرا فرد مرتد اجازه ندارد ارتداد خود را علنی کند؟ یا حکمت مجازات او

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

چیست؟ درک حکمت این مسائل تنها برای کسی ممکن است که «حفظ دین» در قلبش جایگاه بزرگی داشته باشد؛ و این اهمیت هم نتیجه این درک است که کل زندگی دنیا صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به آخرت است. پس اگر این مفهوم در کسی کمرنگ شود، هر چقدر هم اهل بحث و مهارت در کلام باشد، باز هم به چنین احکامی قانع نمی‌شود و هر دلیلی را در این باره ضعیف و غیرمنطقی می‌بیند.

همین سخن درباره آن دسته از احکام شرعی که بر پایه تحریم فحشا و مقدمات آن بنا شده نیز صادق است. این احکام بر این اساس استوارند که زندگی دنیا تنها یک گذرگاه است و مسلمان در دنیا برای آخرت خویش تلاش می‌کند؛ چرا که دلبستگی به این شهوات و غرق شدن در آن‌ها، به آخرت آسیب می‌زند، دل را فاسد می‌کند و راه رسیدن به خدا را می‌بندد. پس زمانی که این مفهوم در قلب انسان غایب باشد، وجه حکمت احکام مربوط به این باب را درک نخواهد کرد و هنگام سخن گفتن درباره آن‌ها در برابر ملحدان، کافران یا افراد سردرگم، احساس تنگنا و دشواری می‌کند.

۴- اثر دیگر این درک این است که هر کس جایگاه بزرگی برای «حفظ دین» در قلب خود داشته باشد، در برابر کسی که احکام آن را زیر پا می‌گذارد، غیرت می‌ورزد، برای خداوند خشمگین می‌شود و با دیدن منکرات یا محرمات، برافروخته می‌گردد. چنین فردی با این مسائل با سردی برخورد نمی‌کند؛ چرا که احکام شرعی صرفاً مجموعه‌ای از نظرات برای مدیریت امور زندگی نیستند که مردم بر اساس سلیقه شخصی و طبایع خویش درباره آن‌ها اختلاف نظر داشته باشند بلکه این‌ها احکامی هستند که با دین پیوند دارند؛ دینی که هدف از آفرینش است. همچنین حق خداوند والاترین حقوق است؛ از این رو مسلمان با دیدن منکری که باعث خشم الله است، خشمگین می‌شود و هرگز به این امور به چشم آزادی‌های شخصی محض نمی‌نگرد.

همچنین این مفهوم در نحوه مواجهه با مسائل فکری نیز تأثیرگذار است. در این حالت، فرد به عنوان سخنران، نویسنده یا مناظره‌گر با قصد نصرت حق وارد میدان می‌شود، برای تبیین آن می‌کوشد، از آرمان‌هایش دفاع می‌کند و برای گردآوری دلایل مؤید آن تلاش می‌نماید. این در حالی است که برخی از

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

مردم از این مفاهیم دوری می‌کنند، نسبت به آن‌ها شرمگین هستند یا این مسائل را برای بحث، تفکر و پژوهش مناسب نمی‌دانند. این افراد به «توصیف علمی محض» گرایش دارند که تنها به ارائه اطلاعات، تبیین ایده و درست‌سنجی نسبت اقوال اکتفا می‌کند؛ روشی که البته در هر پژوهش علمی گریزناپذیر است. پژوهش بر پایه عدالت استوار است تا سخن، گوینده آن، حقیقت و لوازمش شناخته شود؛ اما همه هدف پژوهش این نیست. انگیزه‌ای که یک مسلمان را به سمت بحث و پژوهش می‌کشاند نباید از یاد او برود؛ هدف او تنها پژوهش برای پژوهش یا صرفاً خدمت به اطلاعات نیست؛ به گونه‌ای که تلاش او با معرفی این مطالب به مردم پایان یابد. حیف از هدر رفتن این همه تلاش و ضایع شدن عمر و زمان، اگر هدف نهایی تنها همین باشد.

معنای دوم: یادآوری کوتاهی زندگی دنیا:

همه زندگی دنیا با تمام ثروت، مقام، خوشبختی و لذت‌هایش، زندگی کوتاهی است که زود از بین می‌رود. این حقیقت، انسان خردمند را وامی‌دارد

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

تا زندگی ابدی را فدای لذتی کوتاه و زودگذر نکند و منافع نزدیک و فناپذیر را به مصالح بزرگ و همیشگی ترجیح ندهد. این مقایسه هوشمندانه میان دنیای زودگذر و آخرت ماندگار، انسان را از انحرافی که ریشه آن مقدم کردن دنیا بر آخرت است، مصون می‌دارد. همچنین توجه به این موضوع، فرد را در برابر اعتراض به احکام شرع حفظ می‌کند؛ اعتراض‌هایی که انگیزه اصلی آن‌ها توجه به منفعت فوری است. در این سخن خداوند متعال تأمل کنید: **﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ﴾** [نساء: ۷۷] (آیا کسانی را ندیدی که [در مکه] به آنها گفته شد: [اکنون] دست [از جنگ] بازدارید و نماز برپا دارید و زکات بپردازید، و [الی] چون [در مدینه] جهاد بر آنان مقرر شد، آنگاه گروهی از آنان از مردم [مشرک مکه] ترسیدند - مانند ترس از الله یا [حتی] بیشتر - و گفتند: پروردگارا، چرا نبرد را بر ما مقرر نمودی؟ چرا تا مدتی کوتاه به ما مهلت ندادی [تا از نعمت‌های دنیوی

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

بهره‌مند گردیم؟ بگو: برخورداری [از لذت‌های این] دنیا ناچیز است و سرای آخرت برای کسی که پرهیزگار باشد بهتر است).

ملاحظه می‌کنید که آنان به واجب شدن جهاد اعتراض کردند؛ پروردگار متعال ریشه این اشکال را فاش کرد که همان توجه به منافع زودگذر دنیا است. در حالی که تمام دنیا بهره‌اندکی است و دور از عقل است که انسان فقط به منافع زودرس دنیا بنگرد و از مصالح ابدی آخرت خود غافل شود.

یادآوری این معنای بزرگ قرآنی، نشانه کمال عقل انسان است و تضمینی برای محافظت نفس در برابر شهوات و هواهای نفسانی است که مانع رسیدن به حق می‌شوند؛ همچنین این نگرش، محرکی برای تلاش صادقانه در جهت رسیدن به سعادت آخرت است.

معنای سوم: کمال عدالت در آخرت:

مسلمان می‌داند که جزا و پاداش واقعی تنها در آخرت است؛ بنابراین ستمگر کیفر کارهای خود را در آخرت خواهد دید. اما در دنیا، ممکن است کسی به سزای عمل خود برسد و ممکن است نرسد. اگر مسلمان این حقیقت را

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

همواره به یاد داشته باشد، از وضعیت [به ظاهر خوب] کافران در دنیا اندوهگین نمی‌شود؛ خداوند متعال می‌فرماید: **لَا يَغْرَنَّاكَ تَقَلُّبُ الدِّينِ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ** [آل عمران: ۱۹۶-۱۹۷] (مبادا رفت و آمد [و جولان] کافران در شهرها تو را بفریبد؛ این بهره‌اندکی است و سپس جایگاهشان دوزخ است و چه بد آرامگاهی است).

یادآوری این معنا، مسلمان را از شبهه‌جستجوی حکمت الهی درباره برخی از آفریدگانش محافظت می‌کند. گاهی برای برخی از مردم درک حکمت وجود شر در این دنیا دشوار می‌شود و تعجب می‌کنند که سزای ظالمی که در زمین فساد کرده، مردان، زنان و کودکان را کشته، به بندگان ستم نموده و اموالشان را غارت کرده است، کجاست؟ در حالی که او را در دنیایش غرق در نعمت می‌بینند که بر تمام امور مسلط است و گذشت زمان چیزی جز قدرت، ثروت و سلطنت به او نمی‌افزاید؛ پس با خود می‌گویند: عدالت پروردگار در چنین مواردی کجاست؟!

یا وقتی به وضعیت دردمندان، از بیماران و مجروحان گرفته تا کودکان و بزرگسالان می‌نگرند، از خود می‌پرسند: حکمت این رنج‌ها چیست؟

تمام این تردیدها ناشی از غرق شدن در زندگی دنیا است؛ در حالی که کمال عدالت تنها در آخرت محقق می‌شود. هر کس ستم کرده، تجاوز نموده و طغیان کرده باشد، جزای خود را آنجا خواهد دید؛ و هر کس که مورد آزمایش قرار گرفته و ایمان آورده و صبر پیشه کرده باشد، پاداش خود را در آن سرا دریافت می‌کند. پس زندگی دنیا پایان کار نیست.

پرسش نادرست دربارهٔ حکمت الهی، یکی از راه‌های ورود الحاد و شک در روزگار ما و هر دوران دیگری است؛ و رهایی از آن، در یادآوری دو نکته نهفته است:

نکتهٔ نخست: حکمت پروردگار بزرگتر از آن است که عقل انسان بتواند بر آن احاطه یابد. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که انسان می‌خواهد حکمتی را بر پایهٔ نظر و میل خود تعیین کند؛ پس اگر آن را محقق نبیند، شک و تردید به دلش راه می‌یابد. در حالی که اگر عظمت خداوند و شکوه آفرینش او را درک

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

می‌کرد و می‌فهمید که نفهمیدن حکمت یک چیز به معنای نبودن آن نیست، خود را از این بلا حفظ می‌کرد.

نکته دوم: آثار این حکمت تنها در دنیا نیست؛ بلکه باید همواره سرای آخرت را به یاد داشت؛ همان زندگی جاودانه و ابدی که هدف نهایی تلاش همه انسان‌ها است.

معنای چهارم: خشنود شدن به قضا و قدر:

مسلمان می‌داند که زندگی دنیا همه چیز نیست؛ پس اگر دچار بیماری، حادثه، ازدست دادن عزیزان، فقر، گرسنگی یا هر بلای دیگری شود، این آگاهی او را در مسیر خشنودی از قضای الهی، بردباری در سختی‌ها و امید به پاداش نزد پروردگار یاری می‌دهد. این نگرش سبب سعادت و آرامش قلبی او می‌شود.

چه تیره بختی و رنجی بزرگتر از رنج کسی است که در دنیای خود دچار آسیب شده و چون دنیا را هدف و پایان کار می‌بیند و آن را از دست رفته می‌یابد، درد

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

از دست دادن در دلش دوچندان می‌شود و مصیبت بر او سخت می‌گردد؛ تا جایی که ممکن است برای رهایی از این دردها به خودکشی پناه ببرد.

معنای پنجم: معیار قضاوت:

این مفهوم بر نگرش مسلمان در همهٔ امور اثر می‌گذارد و در سنجش همهٔ مسائل نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ از جمله:

- **قضاوت دربارهٔ افراد:** معیار بودن آخرت، بر دیدگاه مسلمان نسبت به انسان‌ها اثرگذار است. او ممکن است به یک کافر بنگرد و موفقیت دنیوی او را ارج نهد، یا او را به خاطر کارهای نیک و پسندیده‌اش ستایش کند و حتی در برابر احسانی که کرده به او پاداش دهد؛ اما در عین حال، همواره به یاد دارد که او به خداوند کفر ورزیده، کتاب‌ها و پیامبران الهی را تکذیب کرده و جز به همین زندگی دنیا ایمان نداشته است. با این حال، غفلت از این حقیقت که دنیا تنها گذرگاهی به سوی آخرت است، باعث می‌شود برخی افراد تنها موفقیت دنیوی را موفقیت واقعی بپندارند.

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

شاید همین موضوع توضیح دهد که چرا برخی مردم شیفته کافرانی می‌شوند که در این دنیا بزرگ داشته شده‌اند. در چشم چنین فردی، یک کافر به خاطر مهارت در یک تخصص دنیوی، اختراعات، یا شهرتش در دنیای ورزش، هنر و ثروت، یا حتی به دلیل فعالیت‌های خیریه‌اش بزرگ جلوه می‌کند. اگر این افراد بر کفر خود بمیرند، برای آن شخص مایه فتنه می‌شوند؛ در نتیجه برای آن‌ها طلب رحمت می‌کند و علت مخالفت دیگران با این کار را نمی‌فهمد. [حال آنکه طلب مغفرت و رحمت برای کافران جایز نیست] او از کسانی تعجب می‌کند که راه رحمت الهی را بر آن‌ها بسته می‌بینند. ماجرا تنها به گناه طلب رحمت [برای کافران] ختم نمی‌شود، بلکه با ادامه یافتن مجادلات، او ناچار می‌شود ادعا کند که بهشت تنها منحصر به مؤمنان نیست و ملاک اصلی کار نیک است، خواه از سوی مسلمان باشد یا کافر. در این نگاه، معیار پاداش همان نیکی و احسانی است که انسان به بشریت می‌کند، نه ایمان یا کفر او؛ سخنانی از این دست که در واقع برخوردی آشکار با اصول اسلام است.

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

اینجا می‌بینید که چگونه معیارها به طور کامل دگرگون شده‌اند. در این حالت، دیگر دنیا گذرگاهی برای آخرت یا وسیله‌ای برای رسیدن به آن نیست، بلکه آخرت به هدفی برای این دنیا و پاداشی برای آن تبدیل شده است. در این دیدگاه، اصل این است که در دنیای خود موفق باشی و ثروت، فرزندان و دستاوردهایت افزون گردد؛ اما خشنودی پروردگار متعال، خواست او و هدف از آفرینش، اگر منجر به اصلاح دنیای انسان نشود، هیچ ارزشی نخواهد داشت!

- قضاوت دربارهٔ فعالیت‌های دعوی و اصلاحی و نتایج آنها: یادآوری این مفهوم، هر فعالیت یا تلاشی را که برای بزرگداشت دین در دل مردم، اصلاح انحرافات اعتقادی و آموزش کتاب خدا یا سنت پیامبر ﷺ انجام می‌شود، در نگاه مسلمان ارزشمند می‌کند. همچنین موضوعاتی مانند پند و اندرز، یادآوری آخرت و دیدار پروردگار متعال، یا تربیت مردم برای پایبندی به سنت‌ها و مستحبات در نگاه او بزرگ جلوه می‌کند. البته این رویکرد با دعوت به اموری

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

که زندگی دنیوی مردم را سامان می‌دهد و درمان مشکلات اجتماعی، اقتصادی و غیره تداخل و تضادی ندارد.

این معنا در نگاه دیگران درست به همان اندازه‌ای رنگ می‌بازد که یاد آخرت در قلبشان ضعیف شده است. برخی از آن‌ها ممکن است هر گونه اصلاح دینی محض را کوچک بشمارند و آن را موضوعی حاشیه‌ای و بی‌اهمیت بدانند؛ حتی شاید با آن دشمنی کنند یا در بهترین حالت، آن را صرفاً یکی از امور مباحی قلمداد کنند که به آزادی‌های شخصی مربوط می‌شود. آنچه در قلب این افراد اهمیت دارد، تنها اصلاحاتی است که با دنیای مردم گره خورده؛ مانند بهبود وضعیت مالی، سیاسی یا اجتماعی، حتی اگر مربوط به جزئیات و مسائل رفاهی و غیر ضروری باشد. این افراد برای هیچ اصلاحی به جز این موارد، کمترین ارزشی قائل نیستند.

در نتیجه اگر کسی برخیزد و با کارهایی که به اصول اعتقادی آسیب می‌زند - مانند دعا کردن و صدا زدن غیر الله یا تاویل نام‌ها و صفات او - مقابله کند، یا به پایبندی به احکام شرعی مثل پوشش و حجاب فراخواند، [آن فرد غافل]

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

چنین می‌بیند که این مسائل شایسته این همه توجه نیست. از این رو می‌کوشد آن‌ها را کوچک بشمارد؛ خواه با انکار ضرورت توجه به این ابواب، یا با ادعای مبالغه در اهمیت آن‌ها، یا بی‌نیاز دانستن از آن‌ها، و یا با این بهانه که پرداختن به این امور باعث سرگرمی و غفلت از مسائل مهم‌تر می‌شود. این‌ها همگی نشان دهنده ضعف اعتبار این معنا در قلب اوست.

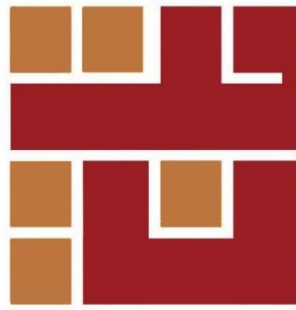
این هوا و هوس حتی به گفتمان علمی و دعوتگری او در میان مردم نیز سرایت می‌کند؛ به گونه‌ای که تنها جنبه‌های صرفاً دنیوی دین را می‌بیند و مفاهیمی را که با حق الله، حفظ دین و عمل برای آخرت پیوند دارد، فراموش می‌کند.

حتی در دوران ما کار به جایی رسیده که دین را از مسائلی مثل صدقه که با آن گره خورده‌اند هم کنار می‌زنند. صدقه احسانی خالصانه است که هیچ انگیزه دنیوی پشت آن نیست. به همین دلیل می‌بینیم که یکی از بزرگترین عوامل تشویق مردم به صدقه، همان گفتمان دینی است؛ گفتمانی که آیات و احادیث مربوط به صدقه و مفاهیم شرعی آن، مانند برکت مال و حفظ بنده را

سخنان محافظ | دنیا، گذرگاهی به سوی آخرت است |

یادآوری می‌کند. با این حال شگفت‌آور است که برخی آگاهانه این نگاه را نادیده می‌گیرند و تنها بر انگیزه‌های صرفاً بشر دوستانه، نوع دوستی، عشق به دیگران و کاستن از رنج‌های آنان تمرکز می‌کنند؛ یعنی مفاهیمی که بر پایهٔ دین استوار نیستند. کنار گذاشتن دین در این موارد مایهٔ شگفتی است؛ چرا که این نگاه در مقایسه با آموزه‌های دینی، در تشویق و ترغیب مردم بسیار ناتوان‌تر عمل می‌کند.

از دیگر آثار این نوع گفتمان: غفلت از مرگ، کمتر سخن گفتن از آن و دوری از پندهایی که ناچیزی دنیا و آمادگی برای روز کوچ را یادآوری می‌کنند، از پیامدهای این نوع گفتمان است. اما کسی که همواره دنیا را تنها گذرگاهی به سوی آخرت می‌بیند، هرگز از این حقیقت غافل نمی‌شود؛ بلکه آمادگی برای مرگ را از نخستین اولویت‌هایی می‌داند که باید دربارهٔ آن اندیشید، آن را یادآوری کرد و از آن بیم داشت. چنین درک و باوری در بازداشتن انسان از گناه، افزایش طاعت‌ها و توبه به درگاه حق تعالی تاثیر بسزایی دارد.



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies